

اُستادانه

محتوای خوب از ما، نهره خوب برای شما

خلاصه کتاب بر مدار امید انقلاب اسلامی پرسش محور

نگارش جمعی از نویسندگان

دوست عزیزم، خریدار محترم و خواننده گرامی

از اینکه این فایل رو خریداری کردی و داری ازش استفاده میکنی متشکرم، اما اگه بدون اینکه فایل رو خریداری کنی داری ازش استفاده میکنی اینو بدون که اُستادانه برای این فایل خیلی زحمت کشیده و اونو به صورت اختصاصی تولید کرده نه مثل خیلی از سایتها از دیگران کپی کنه برای همین اصلا راضی نیست ازش استفاده کنی!

اگه دوست داری ازش استفاده کنی همین الان به سایت اُستادانه به آدرس زیر برو و مبلغش رو پرداخت کن و با خیال راحت ازش استفاده کن، کافیه اسم فایل رو داخل سایت سرچ کنی و اونو بخری

www.OSTADANEH.com



توجه توجه

فهرست مطالب

- فصل اول: چرا انقلاب کردیم؟..... ۳
- پرسش ۱- چه اطلاع دقیقی فنی و آماری و مستند از عقب ماندگی زمان پهلوی وجود دارد؟..... ۳
- پرسش ۲- حالا که مدل حکومت‌های سکولار دنیا کارآمدتر است چه نیازی به تشکیل حکومت دینی است؟..... ۵
- پرسش ۳- این همه کشور مسلمان چرا فقط در ایران باید دین با سیاست یکی باشد؟..... ۷
- پرسش ۴- اگر انقلاب کار خود غربی‌ها نبود، پس چرا شاه از وقتی گفت: «ما دیگر به چشم آبی‌ها باج نمی‌دهیم» انقلاب شد؟..... ۸
- پرسش ۵- جمهوریت یا اسلام؟ مسئله کدام است!!..... ۹
- پرسش ۶- چطور غربی‌ها که پیشرفته‌ترند و آزادی بیشتری هم دارند مشکلی ندارند؟ محدودیت فقط برای ایران است؟..... ۱۰
- پرسش ۷- آقای جمهوری اسلامی چرا رفراندوم نمی‌گذاری؟..... ۱۱
- پرسش ۸- حالا که می‌گویی این نظام مقبولیت دارد پس این اعتراضات نشانه چیست؟..... ۱۲
- پرسش ۹- خودتان که تظاهرات می‌کردید اموال و دولتی را خراب می‌کردید حالا چرا به اغتشاشگرها می‌گویید خرابکار؟..... ۱۳
- پرسش ۱۰- زمان شاه به خشونت می‌گفتید انقلابی‌گری حالا نوبت اغتشاشگرها که رسید شد جرم؟..... ۱۵
- حرف حساب اعتراضات پیاده شدن قانون اساسی است..... ۱۵
- پرسش ۱۱- اگر اجازه راهپیمایی نمی‌دهید پس چرا قانون اساسی اصل ۲۷ دارد؟..... ۱۶
- پرسش ۱۲- یعنی می‌شود باز انقلاب شود؟ انقلاب کردن چه جوری است؟..... ۱۸
- فصل دوم: ساختار جمهوری اسلامی..... ۱۹
- پرسش ۱۳- وقتی این همه تحصیل کرده در رشته‌های مختلف فنی، اقتصادی، سیاسی و علوم اجتماعی وجود دارد؛ چرا باید کسی که فقط فقه خوانده است بر همه مردم حکمرانی کند؟..... ۱۹
- پرسش ۱۴- چرا دوره رهبری در قانون اساسی محدود نشده است؟..... ۲۰

- پرسش ۱۵- چرا نباید مردم خودشان مستقیماً ولی فقیه را انتخاب کنند؟ ۲۱
- پرسش ۱۶- آیا انتخاب اعضای شورای نگهبان- ۶ فقیه توسط رهبری و ۶ حقوقدان توسط رئیس قوه قضاییه منتخب رهبری-سوء استفاده رهبری از قانون نیست؟ ۲۲
- پرسش ۱۷- شورای نگهبان همواره کاری می کند تا مردم بین بد و بدتر انتخاب کنند؛ چرا باید نظارت استصوابی باشد تا این همه مشکل درست شود؟ ۲۳
- فصل سوم: مواضع و تصمیمگیری های جمهوری اسلامی ۲۴
- پرسش ۱۸- با وجود این همه فساد؛ چرا رهبری از مشکلات، چیزی نمی گوید و سکوت کرده است؟ ۲۴
- پرسش ۱۹- چرا همه گروه ها از جمله بهائیت اجازه کاندیداتوری مجلس و ریاست جمهوری را ندارند؟ ۲۶
- پرسش ۲۰- جریان های سیاسی مبارز با رژیم پهلوی چرا از همان اول انقلاب بدون دادن مسئولیت کنار گذاشته شدند؟ ۲۷
- پرسش ۲۱- چرا همه روسای جمهور پس از پایان دوره ریاست جمهوری طرد شده و خائن تلقی می شوند؟ ۲۸
- پرسش ۲۲- طبق وعده امام خمینی آب و برق مجانی چه شد؟ ۳۰
- پرسش ۲۳- حالا که انرژی هسته ای در جهان چراغ نفتی شده و همه سراغ انرژی های خورشیدی رفته اند ما چرا باید این همه برایش هزینه کنیم؟ ۳۱
- پرسش ۲۴- چرا بابا در بند مرگ بر آمریکا آقازاده اش شهروند غرب و اروپا است؟ ۳۴
- چگونه کارآمدی حکومت ها را ارزیابی کنیم؟ ۳۵
- پرسش ۲۵- آیا ۴۰ سال زمان کافی برای نشان دادن کارآمدی یک حکومت نیست؟ چرا پس از گذشت بیش از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی هنوز مردم ایران این همه فقر و بدبختی دارند؟ ۳۵
- پرسش ۲۶- چرا امام قطعنامه های اتمام جنگ را نمی پذیرفت؟ ۳۷
- پرسش ۲۷- چرا حکومت ایران کاری کرده است که یک دوست بین کشورهای مهم و بزرگ جهان ندارد؟ ۳۸
- پرسش ۳۰- چرا با آمریکا مذاکره نمی کنیم تا از این فلاکت های اقتصادی نجات پیدا کنیم؟ ۴۵
- پرسش ۳۱- با این همه شعار مرگ بر آمریکا و آتش زدن پرچم و شعار نویسی روی موشک و غیره آیا مقصر دشمنی آمریکا و اسرائیل با ایران خود مسئولین و مواضع جمهوری اسلامی نیست؟ ۵۰
- پرسش ۳۲- ایران قبل از انقلاب اسلامی وابسته غرب بود، الان هم که متمایل به شرق است؛ پس چه فرقی کرد؟ ۵۳
- پرسش ۳۳- در زمان شاه با پاسپورت معتبر، با تمام دنیا تعامل داشتیم، تازه ژاندارم منطقه هم بودیم؛ چرا جمهوری اسلامی تمام این ها را گرفت؟ ۵۶
- فصل چهارم: کارنامه و کارآمدی نظام ۵۷
- دستاوردهای انقلاب اسلامی ۵۷
- پرسش ۳۴- اصلاً انقلاب اسلامی چه دستاوردهایی دارد؟ ۵۷
- چگونه کارآمدی حکومت را ارزیابی کنیم؟ ۶۵
- پرسش ۳۵- آیا ۴۰ سال زمان کافی برای نشان دادن کارآمدی یک حکومت نیست؟ ۶۵
- فلسفه و روش مقایسه دستاوردها: ۶۵
- پرسش ۳۶- این همه کشور پیشرفته در جهان چرا ایران را با همسایه های مقایسه می کنید؟ ۶۵
- پرسش ۳۷- دستاوردهایی که برای نظام شمرده می شود چه ربطی به انقلاب دارد؟ اگر پهلوی می ماند همین پیشرفت ها بود! ۶۸
- کارآمدی فرهنگ انقلاب اسلامی: ۷۰
- پرسش ۳۸- واقعا جمهوری اسلامی موجب دین زدگی مردم شده است؟ ۷۰

فصل اول: چرا انقلاب کردیم؟

پرسش ۱- چه اطلاع دقیق فنی و آماری و مستند از عقب ماندگی زمان پهلوی وجود دارد؟

مهمترین ابعاد انحطاط فرهنگی و عقبماندگی اقتصادی ایران دوره پهلوی چیست؟

پاسخ: رژیم پهلوی با دارا بودن حمایت خارجی و بین‌المللی و عدم تحریم، داشتن درآمد نفت در بالاترین سقف زمینه رشد و توسعه را داشت اما دستاورد و خروجی چیز دیگری بود. دریافت وام‌های کلان و بازپرداخت آنها باعث تاراج ثروت ملی و دلارهای نفتی حاصل از فروش نفت خام می‌شد و با کم شدن درآمد نفت مشکلات جامعه را با بحران مواجه ساخت و واردات به ۵ برابر صادرات رسید. همچنین هزینه‌های نظامی رو به افزایش بود و این شرایط سبب ثروتمند شدن عده‌ای محدود و فقیر شدن قشر عظیم جامعه شد، دلیل تنفر و پریشانی عموم ملت از حکومت پهلوی فساد، رشوه خواری و سوء استفاده‌های مالی به همراه ترویج عادات یر بومی و ارزش‌های غیر سنتی بود، فساد با افزایش قیمت نفت به اوج رسید.

موارد عقب ماندگی رژیم پهلوی به شرح زیر است:

افزایش تعداد بی‌سوادها:

تعداد بی‌سوادان در رژیم پهلوی بسیار افزایش یافت. طبق آمارها در گروه سنی ۱۵ سال آمار باسوادی تنها ۳۹ درصد بود. این شاخص نشان دهنده این است که بیش از ۶۴ درصد جمعیت ۱۵ ساله بی‌سواد مطلق بوده‌اند.

روند افزایشی تورم:

دولت مصرف‌گرا و محدودیت برای ارائه خدمات عمومی به مردم سبب ناتوانی مردم در خرید کالاهای ضروری زندگی شد. در نیمه دوم دهه ۴۰ نرخ رشد اقتصادی کاهش و تورم در دهه ۵۰ افزایش یافت.

روند کاهش بهره‌مندی از مسکن:

آمار خانواده‌های شهری که در یک اتاق زندگی می‌کردند افزایش یافت یعنی تقریباً نیمی از جمعیت کشور در یک اتاق زندگی می‌کردند.

افزایش وابستگی اقتصادی:

ایران در دهه پایانی رژیم پهلوی گرفتار وابستگی و شکست برنامه اقتصادی ۵ ساله شد و روز به روز بر فقر و بیچارگی مردم افزوده شده و ورشکستگی اقتصاد کشور را به دنبال داشت.

دستاوردهای پهلوی طی دهه چهل: ۱- فقر و گرسنگی ملت ۲- ورشکستگی بازار. ۳- بیکاری. ۴- اختلال وضع کشاورزی. ۵- تسلط آمریکا و کشورهای اروپایی بر شئون اقتصادی و فرهنگی کشور. ۶- حضور

مستشاران آمریکایی و اسرائیلی در مراکز نظامی و اقتصادی. ۷-سپردن سرنوشت ایران به تربیت شدگان مکتب غرب. ۸-حبس‌ها و تبعیدهای غیرقانونی. ۹-تسلیم ذخایر ملت به بیگانگان

طبق آمارها در دوران پهلوی کشور شاهد روند افزایشی وابستگی اقتصادی به غرب بود، استراتژی جایگزینی واردات سبب شد تولید صنعتی ایران بازار داخلی را تامین کند اما در بازار جهانی عمل کردی نداشت

افزایش آمار مزد بگیران:

مهاجران فقیر روستایی در حلبی آبادهای جدید بی در و پیکر زندگی کرده و از راه بنایی عملگی و دستفروشی و غیر پول ناچیزی به دست می‌آوردند. طبقه مزد بگیر از ۱۶ درصد کل نیروهای کار به ۳۴ درصد افزایش یافت.

افزایش نابرابری اجتماعی و اختلاف طبقاتی:

در سال ۵۱ بسیاری از جمعیت ایران غذای کافی برای تامین سلامت در اختیار نداشته و ۷۶ درصد از جمعیت شهری دچار فقر غذایی بودند. بسیاری از این‌ها دچار سوء تغذیه و وضع تغذیه بد بودند.

فساد اقتصادی گسترده و سیستمی:

کابینه‌های تشکیل شده در پهلوی دوم غارتگر بیت المال بوده و از هیچ فسادی رویگردان نبودند، به خاطر فساد گسترده و عدم کارایی در امور کشور تمام درآمد نفتی به هدر رفت و ایران در معرض ورشکستگی قرار گرفت، افراد نزدیک به دربار و شاه از کار و فعالیت‌های خود بهره‌برداری‌های غیرمنطقی می‌کردند. برای مبارزه با مفسدین باید از شاه و خانواده و رافیانش شروع می‌کردند و آنها را به محاکمه می‌کشیدند.

وضعیت صنعت و نابودی توانمندی داخلی اسفناک بود:

عامل عقب ماندگی در دوره پهلوی وابستگی صنعتی بود، مثل اسیس اداره برق به کمک بلژیکی‌ها، اختیارات آلمان‌ها در صنایع نساجی و غیره. اکثر صنایع ایران مونتاژی و ساخته دست خارجیان بود و توان فکری نیروهای داخلی کمتر مورد استفاده قرار می‌گرفت، وام‌های خارجی سبب ثروتمندی وابستگان دربار شاه شده و بین واردات روز افزون و صادرات توازنی در کار نبود در حالی که برآیند کلی اقتصادی نشانگر رشد ظاهری اقتصاد ملی بود اما اقتصاد ایران شکلات پایه‌ای و بنیادی داشت، افزایش بی‌سابقه قیمت نفت و تقاضای داخلی سبب واردات بی‌رویه می‌شد.

پرسش ۲- حالا که مدل حکومت‌های سکولار دنیا کارآمدتر است چه نیازی به تشکیل حکومت دینی است؟

پاسخ:

دین در تعیین قلمرو خودمختار است:

انسان وقتی دین را می‌پذیرد باید کاملاً تابع آن باشد و نباید برای آن قلمرو تعیین کند. در سکولاریسم قلمرو دین از دنیا جداست اما در اسلام بسیاری از احکام سیاسی و حکومتی است. ذات اسلام همواره خواهان حضور در حاکمیت و سیاست است

اسلام به معنی روح دین هم سیاسی است:

از آنجا که دین برای سعادت اخروی به انسان‌ها برنامه می‌دهد نمی‌تواند نسبت به قوانین اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه بی‌تفاوت باشد.

اگر حاکمیت غیر دینی شود اصل دین به خطر می‌افتد، همانطور که حضرت زهرا برای بعد سیاسی ولایت امام علی جان خود را از دست داد زیرا ولایت تکوینی ایشان در خطر نبود

در تاریخ مقابله با مستکبرین از نوع دینداری سیاسی است زیرا ورود دین به عرصه حاکمیت در حقیقت ورود به قلمرو ایشان است

۱. سکولاریسم، نیم برنامه تمام اجرا و اسلام، برنامه کامل نیم اجرا:

برای قضاوت میزان کارآمدی و پیشرفته بودن یک نظریه باید اصول نظری حاکم بر آن نظریه را با نتایج عملی به دست آمده آن بررسی کنیم زیرا امکان دارد یک برنامه کامل خوب عمل نشود اما یک برنامه نیم بند کاملاً عملیاتی نتیجه بهتری بدهد

اسلام به عنوان یک دین کامل است عدالت، دعوت به علم آموزی، شایسته سالاری را که لازمه پیشرفت است داراست و حکومت اسلامی ارتباطی با عقبماندگی ندارد

در سکولاریسم چون با هر اعتقاد درست و نادرستی ممزوج و مشابه است لزوماً موجب پیشرفت نمی‌شود

۲. گزینشی مقایسه می‌کنم پس هستیم:

کشورهای پیشرفته دنیا پیشرفت را به سکولاریسم نسبت می‌دهند اما چنین نیست.

در بررسی کشورهای پیشرفته سکولاریسم عامل پیشرفت دانسته شده ال اگر عامل پیشرفت منحصر به سلطه سکولاریسم بود باید در کشورهای مشابه نیز این نتیجه دیده می‌شد پس عموم کسانی که این تصور را دارند دچار نگاهی گزینشی و پیش فرض غلط درباره سکولاریسم هستیم

۳. تمدن طلایی داشتیم وقتی که دنیا چراغ نفتی هم نداشت:

توانمندی اسلام به عنوان عامل تمدنسازی پیشرفته در تاریخ ثبت شده است و مهم‌ترین عامل ظهور تمدن طلایی در شرق اضافه شدن فرهنگ اسلامی است پس حاکمیت اسلام عامل اصلی پیشرفت یک کشور محسوب می‌شود

تعارض علم و دین و محاکمه دانشمندان در غرب مطرح بوده است در حالی که اسلام دارای این دوگانگی نیست و بزرگ‌ترین دانشمندان تجربی شاخص‌ترین دانشمندان دینی نیز بوده‌اند

در مقایسه جمهوری اسلامی و حکومت پهلوی می‌توان نتیجه گرفت که سرعت رشد علمی در ایران در زمان حکومت اسلامی ۱۱ برابر متوسط جهانی بوده است، در عرصه بهداشت و پزشکی نیز پیشرفت ایران چشمگیر است.

پرسش ۳- این همه کشور مسلمان چرا فقط در ایران باید دین با سیاست یکی باشد؟

پاسخ: برای پاسخ به این سوال باید بعضی از مناقشه‌های برآمده در اسلام را مرور کنیم:

۱. برخی تداخل دین و سیاست را بب ناکارایی طرف مقابل دانسته و توصیه به جدایی این دو می‌کنند، این گروه معتقدند سیاست علم اداره روابط میان نیروهای اجتماعی است. در حالی که دین امری معنوی بوده و به باورهای درونی هر فرد توجه دارد این دیدگاه سکولار بوده و از پایه‌های دموکراسی‌خواهی به شمار می‌رود
۲. برخی دیگر به وجود رابطه عمیق بین دین و سیاست معتقدند و بیشتر نظام‌های دینی به این دیدگاه گرایش دارند. از نظر آنها دین نظامی همبسته و کامل شامل تمام امور زندگی است و عالم سیاست باید تابع دین باشد

این نکته‌ها رابطه دین و سیاست را توضیح می‌دهد:

۱. نظریه تفکیک یک امر تاریخی بوده که بر ساخته فرهنگ غرب است در حالی که در مباحث فکری جهان اسلام دوگانگی و تفکیک دین و سیاست هیچگاه مطرح نبوده است
۲. استعمارگران از ابزار جدایی دین و سیاست برای تحقق اهداف و مقاصد خویش در جهان اسلام استفاده کرده و آن را رواج داده‌اند. جدایی دین و سیاست به لحاظ سیاسی به نفع دشمنان اسلام و پدیده‌ای استعماری است
۳. آیات مکی آیاتی هستند که مخالفان برای رد رابطه دین و سیاست استفاده می‌کنند که مربوط به زمانی است که دغدغه اصلی پیامبر دعوت مردم به اسلام بود
۴. انسان موجودی واحد و دارای ساختار و نهاد واحد است در نتیجه دین و سیاست باید با همدیگر متحد باشند برای اداره زندگی و پرورش انسان برنامه‌ریزی کنند تا از عهده رسالت خویش یعنی پرورش و هدایت انسان برآیند

علت اجرا نشدن سیاسی نظام سیاسی اسلامی در کشورهای اسلامی به شرح زیر است:

۱. ملاک دینداری در نظام سیاسی ایران مراجعه به اصول و منابع دینی است. رفتار کشورها باید با قرآن تطبیق شود. در بسیاری از کشورهای مسلمان تعالیم اسلامی اجرا نمی‌شود و این اجرا نشدن مجوزی از سوی اسلام نیست و این دستورات در اسلام وجود ندارد. بنابراین عمل سایر کشورها که عنوان اسلامی را دارند ملاک قضاوت نیست.
۲. اکثر قریب به اتفاق کشورهای اسلامی سکولار است یعنی نظام سیاسی در این کشورها دینی نبوده و مسائل اسلامی و دینی محدود به امور فردی و مناسکی است.

پرسش ۴- اگر انقلاب کار خود غربی‌ها نبود، پس چرا شاه از وقتی گفت: «ما دیگر به چشم آبی‌ها باج نمی‌دهیم» انقلاب شد؟

پاسخ: نظریه مبتنی بر تئوری توطئه با ماهیت حکومت پهلوی و ماهیت انقلاب و آنچه قبل و بعد از انقلاب رویداد تطابق ندارد. از بدو پیروزی انقلاب اسلامی برخی تفکرات سیاسی با نادیده گرفتن عوامل دخیل در وقوع انقلاب را حاصل اراده انگلیس و آمریکا می‌دانستند، این نظریه درباره سقوط رژیم پهلوی دو معنا دارد: ۱- احساس خطر کشورهای استعماری از رشد رژیم پهلوی باعث اقدام آنها به سقوط شاه شد. ۲- اقدامات کشورهای استعماری به منظور سقوط رژیم پهلوی برای جلوگیری از شکل‌گیری نظام کمونیستی انجام شده است.

معنای اول عموماً توسط سلطنت طلب‌ها و خانواده پهلوی مطرح می‌شود که خود محمدرضا شاه پهلوی به آن اشاره کرده است و به برخی گزارش‌های شبکه‌ها و مطبوعات انگلیسی استناد می‌کنند. اما در حقیقت آمریکا هیچگاه تغییر این رژیم را در دستور کار نداشت و تا آخرین روزهای رژیم پهلوی حامی آن بود. سفیران آمریکا و انگلیس به دیدار شاه رفته و اعلام پشتیبانی از رژیم ایران کردند اما در اواسط آبان غربی‌ها به این نتیجه رسیدند که رژیم امکان پایداری نداشته و با شاپور بختیار همکاری کردن اما بنیانگذار جمهوری اسلامی به تهدید آنها توجهی نکرد و به پیروزی رسید، به دلیل منافع سیاسی و اقتصادی بی‌شمار انگلستان در نزدیکی با شاه ایران ه بقای سلطنت محمدرضا پهلوی یاری می‌رساند و سیاست انگلستان در آن مقطع حفظ و بقای رژیم سلطنت در ایران بود. سقوط شاه در ایران سبب شکست و عقب نشینی در امور حقوق بشر انگلستان می‌شد، مهمترین طرح این کشورها تلاش برای روی کار آوردن نخست وزیری نزدیک به خود یعنی شاپور بختیار در آخرین روزهای سلطنت شاه بود و با این کار خواهان جلوگیری از به خطر افتادن منافع خود در ایران شدند و می‌خواستند مسیر انقلاب را منحرف کنند. انگلیسی‌ها برای سرکوب مردم و مهار حرکت انقلابی به رژیم پهلوی کمک کرده و تسهیلات نظامی به ایران فروختند، آمریکا و انگلیس در دوره پهلوی منافع بیشماری داشته و راضی به از دست دادن این پایگاه مهم نبودند. پیروزی انقلاب اسلامی باعث به خطر افتادن منافع استراتژیک و راهبردی ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه شد زیرا این منطقه به دلایل استراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک برای آمریکا اهمیت بسیار داشت رژیم پهلوی نیز یکی از مهم‌ترین متحدان آمریکا در تامین منافع این کشور در این منطقه نقش مهمی داشت. به دلیل موارد فوق استمداران و دیپلمات‌های کشور درباره موضع‌گیری و نحوه مواجهه با تحولات انقلاب ایران دچار نوعی تردید و سردرگمی شدند، وقوع انقلاب اسلامی ایران بسیاری از برنامه‌های آمریکا در خلیج فارس و خاورمیانه را بر هم زد بنابراین دولت ایالت متحده تا آخرین لحظه در کنار شاه پهلوی ایستاد و با انقلاب اسلامی ایران مخالفت کرد آمریکا در دهه اول پس از پیروزی انقلاب با حمایت از عراق در جنگ با ایران به دنبال تضعیف و شکست انقلاب اسلامی برآمد و تاکنون با تحریم به دنبال تغییر رفتار ایران بوده و سیاست تغییر رژیم در ایران را دنبال می‌کند.

پرسش ۵-جمهوریت یا اسلام؟ مسئله کدام است!!

پاسخ: دین اسلام کامل‌ترین دین و خاتم ادیان است که بشر در زندگی فردی و اجتماعی به آن نیاز دارد، جمهوریت به معنای دخالت دیدگاه جمهور یا امه مردم در تصمیمگیری‌ها نیز یک امر برآمده از خود دین است و ضدیتی با اسلامیت ندارد. تضاد زمانی روی می‌دهد که چیزی خارج از دین به آن اضافه شود، با توجه اندیشه‌های سیاسی اسلام و سیره پیشوایان جمهوریت به معنای دخالت نظر مردم در سرنوشتشان در ذات اسلام است و اسلام راضی به نادیده گرفتن آن نیست، اسلام با تشویق مردم آنها را به انتخاب به خودسازی و کارهای نیک وق می‌دهد زیرا کار انسان زمانی ارزش دارد که به اراده آزاد خود باشد، هر جامعه‌ای با متناسب با باور حاکم بر خود چهارچوب و ضوابطی دارد و عدم اجبار مردم نباید به معنای رها کردن عرصه جامعه و مسموم شدن فضای عمومی آن باشد.

قرآن در تبیین وظایف انبیا می‌فرماید: (لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط)

اسلام در عین گسترش حاکمیت بر زمین می‌داند حاکمیت دین باید از سر رضایت باشد همچنین اسلام تحقق یک جامعه ایده آل مادی و معنوی را ه صلاح مردم می‌داندسته و آن را در گرو مشارکت مردم در تصمیم گیری‌ها می‌داند، خداوند نظر معصومانه پیامبر را بر نظر دیگران اولویت می‌دهد: (النبی اولی بالمومنین من انفسهم) و او را به مشورت و شنیدن دیدگاه‌های دیگر دعوت می‌کند: (وشاورهم فی الامر).

امام علی می‌دانست که اگر اندیشه مردم اصلاح شود حاکمیت دین به دست مردم رقم خواهد خورد.

پرسش ۶- چطور غربی‌ها که پیشرفته‌ترین و آزادی بیشتری هم دارند مشکلی ندارند؟ محدودیت فقط برای ایران است؟

پاسخ: آزادی به معنای درست آن به عنوان یک ارزش مطلوب واقعی انسان‌هاست

۱. در همه کشورها بر اساس قواعد و ضوابط نظام حاکم اصول و قوانینی وجود دارد که باید رعایت شود. در ایران قواعد شرعی و قانونی محدودیت‌هایی دارد خلف از قانون و شرع مقدس بی‌احترامی به ارزش‌های اجتماعی محسوب می‌شود. برخی ول انگاری اخلاقی و فساد جنسی را آزادی تعبیر می‌کنند چه این برداشت از آزادی اشتباه است. آنچه در نگاه دین و عقل اصالت دارد آزادی نیست بلکه مصلحت است آزادی خود را نیز به خاطر مصلحت محدود می‌کنیم.

۲. مهمترین مولفه جنگ شناختی دشمن در جنگ رسانه‌ای تاکید بر عدم وجود آزادی در ایران است. در بسیاری از کشورهای دنیا بر اساس اهداف و منافع ملی سیاست فیلترینگ اجرا می‌شود و کشورهایی مثل آمریکا مطالب شبکه‌های اجتماعی را پیگیری کرده و با متخلفان برخورد می‌کنند.

با تحلیل برخورد کشورهای غربی با آزادی ر خلاف منافع خویش می‌توان فهمید آزادی تا زمانی است که به نفع ایشان باشد. کشورهای مدعی آزادی هرگاه وضعیت خود را در خطر ببینند معنای آن را عوض کرده و با مخالفان برخورد می‌کنند.

۳. اینکه موفقیت‌های علمی و اقتصادی کشورهای غربی را به آزادی ظاهری و ول انگاری فرهنگی ربط دهیم اشتباه بوده و دلیل منطقی ندارد و آمارها چنین واقعیتی را اثبات نمی‌کنند.

هرگونه پیشرفت و بهره‌مندی وط به کار و تلاش و نظم و برنامه‌ریزی است و بی قید و بند بودن شرایط اجتماعی به پیشرفت منجر نمی‌شود.